

نفوذ فرهنگ دو کشور در دنیای موسیقی هند

بنی آدم اعضای یک دیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند
حق این است که انسان هر جایی که هست چه در مشرق و چه در مغرب یکی است،
یکسان می‌اندیشد و یکسان کار می‌کند. ولی با وجود این همه یکرنگی مثل اثر انگشت
تنوع دارد. بین این فرزندان آدم داستان هندوستان و ایران از همه جدا و مانند داستان
دو خواهر هم نژاد، هم زبان و هم جوار است. آچاریه برهسپتی دربارهٔ این دو کشور
می‌نویسد که هند و ایران دو روی یک سکه‌اند.^۱

کشورهای همسایه اگرچه مستقیماً باهم ارتباط نداشته باشند، باز هم اندیشه‌ها و
آداب و رسوم آنها دزدیده و خزیده با نغمه جویبارها و نسیم ملایم گلزارها و سلسله
کوهسارها به زبان و فرهنگ و اجتماع یک دیگر نفوذ می‌کند. خوشا! که هند و ایران
همیشه دوست صمیمی بودند. قرن‌هاست که زبان فارسی در سینه‌های ما جا دارد و بر
دل‌های ما حکومت می‌کند. زبان فارسی در طول هشت قرن سایر فرهنگ‌های
هندوستان را تحت تأثیر قرار داده است. اشتباه نباشد اگر بگوئیم که بدون تأثیر پذیری
از هنرمندان و صنایع مناطق دیگر، هیچ فن و صنعت مهمی در عالم بارور نخواهد شد
و به همین دلیل این تأثیر در تمام شاخه‌های هنری مانند فنون لطیفه، بافندگی، نقاشی،
ادبیات، معماری، موسیقی و غیره قابل مشاهده است.

اگرچه ایران بر بنای موقعیت سیاسی به آن صورت تأثیر نپذیرفته ولی مهاجرت کاسبان
و هنرمندان و دانشوران از این دنیای تمدن به آن کشور بازار داد و ستد را گرم کرد. در این
مقاله کوتاه آثار پیوند این دو ملت را در دنیای موسیقی بررسی می‌کنیم.

۱. چاند خان، موسیقی حضرت امیر خسرو، ص ۱۸۴.

علاوه بر متون ادبی داستانی، کتاب‌های علمی نیز با ذوق و سلیقه نویسندگان ایرانی و افغانی به فارسی برگردانده شد. بطور مثال غنیه‌المنیه، راگ درین، مان کتوهل و لهجات سکندر شاهی و غیره از جمله متون سانسکریت است که به فارسی ترجمه شد. در این زمینه ما ذخیره‌های مهمی از نسخه‌های خطی داریم که تا به حال معرفی نشده اند. ویژگی این کتاب‌ها این است که چون معادل و مترادف فارسی وجود نداشت، اصطلاحات هندی را همان طور نقل کردند و در لابلای متن آن را شرح می‌کردند. به این صورت ادبیات فارسی پر از اصطلاحات موسیقی رنگارنگ شد.

بیجا نخواهد بود اگر بگوییم که در صورت چاپ تمامی کتاب‌های نوشته شده در زمینه معرفی آثار بزرگان و فرهنگ هند و علم موسیقی به صورت تازه در ایران، ما نیاز داریم تا لغتنامه‌های جدید موسیقی را در هر دو زبان تهیه کنیم.

در این مقاله کوتاه چند واژه زبان سانسکریت و فارسی را مورد بحث قرار می‌دهیم که در جهان موسیقی هر دو کشور داخل شده و پیوند ناگسستنی دو کشور را نشان می‌دهد. اگرچه در تلفظ این متون ترجمه شده، با مشکل مواجه هستیم، برای اینکه الفبای زبان فارسی چنانکه می‌دانیم در ضبط تلفظ کلمات توانا نیست پس هم تلفظ و هم فهم لغات سانسکریت دشوار می‌گردد. فردوسی در شاهنامه می‌سراید:

بفرمود تا برکشیدند نای همان سنج و شیپور و هندی در آی^۱

سنج اصل کلمه شنکه است. شنکه صدف حلزونی است که در آن باد می‌دمند و صدای بوقی ممتد از آن خارج شود و هندویان در میدان جنگ قبل از آغاز نبرد آن را می‌دمیدند. سنج در لغت زنگوله‌ای را می‌گویند که در طبل می‌بستند ولی بر بنای سلیقه شعری در بیت فردوسی صدای زنگوله نیست. در تقارخانه‌های شاهان تیموری هند سنج^۲ وجود داشت و در نقاشی‌های آن دوران، دمیدن شنکه یا سنج دیده می‌شود.

امیر خسرو می‌سراید:

او الاون را چنان بناخته کاب حیوان را به رود انداخته

*

۱. دکتر یونس جعفری، واژه‌های هندی در شاهنامه، قند پارسی، فصلنامه بهار، ۱۳۷ ص ۱۱۳.

۲. آند راج.

رگ جانم چه کنگر می‌نوازد نه ظاهر بلکه در سر می‌نوازد

الاون و کنگر نام سازهای هندی است. پس معلوم می‌شود که نوشتن و تلفظ کردن یکی نیست.

دهل یعنی تقاره که خیلی شبیه واژه هندی *هول* است. امکان دارد که این واژه اصلش هندی باشد ولی چون در فارسی صدای *ه* صدای غلیظ نیست دهول، دهل می‌گردد. علاوه بر این معانی و مفاهیم، نویسندگان متون موسیقی بعضی از واژه‌های موسیقی را به نحو مخصوص تلفظ می‌کردند که بین دانشمندان موسیقی مورد قبول و متداول بوده است. به طور مثال شرح را کهرج، و رشب را رکهب و نشاده را نکهاده می‌گفتند که نام صداهای موسیقی است. همین است برای شرت که مقدمات‌های دنبال است یا دهووه برای دهرکه نام قطب ستاره است و به موسیقی برای تارهای ثابت می‌گویند. مارو^۱ واژه هندی و نام مقام موسیقی است که در ادبیات فارسی داخل شده است. امیر خسرو نه تنها واژه‌های هندی را در شعر خود به کار برد، بلکه با امتزاج راگ‌های عربی و ایرانی راگ‌های تازه‌ای را به وجود آورد که به چند مورد از آن در اینجا اشاره می‌شود که نمایانگر پیوند فکر دو ملت است:

سازگیر، مرکبات، پوربی - گورا - گن کلی

مجیب یا مجیر، مرکبات، غارا - کافی - دیس

توافق، مرکبات، زیلف - حسینی - سارنگ

عشاق، مرکبات، سارنگ - بسنت - نوا

نوروز، مرکبات، حسینی - ذوگاہ - کافی

نیشابور، مرکبات، ایمن - هندول - نجم

موافق، مرکبات، نوری - مولسری - درگاه

زیلف، مرکبات، کھت - شهناز - حسنی

ذوگاہ، مرکبات، حسینی - نوروز - عجم

غزال، مرکبات، دهناسری - کھ - کافی

اصفهان، مرکبات، زیلَف - یهرون - زابل
 زنگوله، مرکبات، گرده - برگل - بانگ

واژه‌های مصطلح در موسیقی هند را می‌توان به چند نوع تقسیم کرد. واژه‌هایی که بدون تغییر و تبدل لفظی و معنایی به کار برده می‌شوند مانند:
 سرنا/سورنا - نایی که در هنگام جشن و شادی نواخته آید. سور کلمه پهلوی است چنانکه از جشن سور ایرانیان قدیم می‌توان اخذ کرد.
 فرودست = فروداشت - اصطلاح نوبت‌خوانی
 غزال - یکی از شعبه‌های زنگوله که به موسیقی هند جنگلا که اصلاً زنگله است. رک: زنگوله.

سری: علامتی است در موسیقی ایرانی که صدای طبیعی را ربع پرده بالا می‌برد.
 ادارنگ (بندو یا دهیا) در عهد محمد شاه رنگیلا دو گروه ادارنگ و سدارنگ که راگ‌های مخصوص «برا خیال» را می‌سرودند و چون خیلی شیرین بود تا حال ادامه دارد.
 ادایگی: رقص و سرود را پیش مردم نمایش دادن
 عادت: مشق موسیقی این قدر زیاد باشد که خو گرفته باشد.
 آمد: قبل از رقص نوازندگان هندو خدای خود گنیش را عبادت می‌کردند و این گونه طرز عبادت و حالت آغاز رقص را آمد و سلامی می‌گویند.
 ایمن: یمن، در ایالت بنگال راگ یمنی را می‌گویند.
 استاد: ماهر موسیقی
 نفیر و نقاره، دف، رباب چنگ و طبل و مضراب.
 واژه‌هایی که نفیر معنایی دارد به طور مثال:
 زمزمه: لغزایدن نت‌های ستار به طرف جلو و عقب - طبل جنگی که با دو چوب می‌نوازند.

ترانه: موسیقی کلاسیک هندوستان که صدای فارسی و عربی داشته باشد مثل نُم نُم
 دِرِتا - نا یَلِّه یَلِّم دِرِنا تَدیم. اصلاً نغمه ملی ایران است ولی در هند اسلوبی دیگر
 را این نام داده‌اند دوبیتی‌های محلی (ف م ا. ارفع طهرانی)
 فقره: مدت زمان نوازش آلت موسیقی

طوطی: نی کوچک

بابت سوال و جواب: دیالوگ مانند محاوره هم معنی در سه نت سرانیدن

بیدم: صدای ممتد متعلق به طبل

نمکین: هنرمند و فنکار ماهر موسیقی

پیشکار: نغمه‌های پیشینه طبله

دلربا: سازی است مثل سارنگی

خالی: اولین ضربه دست

اصول فاخته: سول فاخته با بندیلی تلفظ نام تال (ضرب)

بندش: متعلق به خیال راک

قاعده: تال وا

داد: ستایش

گها گها ته ت و گها گها تت

خمسه: به سرود هندی که دارای واژه‌های عربی و فارسی باشد خمسه گفته می‌شود. فن قوالی از خمسه به این شکل رسیده است. مقدار تال که در عدد هشت است خمسه گفته می‌شود.

خیال: به سرود مخصوص نغمه‌های حلقی که خواننده آزادی فکر و خیال در نوازندگی داشته باشد خیال گفته می‌شود.

خَلط: ضرب تال

خالی: فوت تال که بر دست چپ نباشد خالی گفته می‌شود.

واژه‌هایی که با کمک پسوند و پیشوند فارسی به وجود آمده‌اند که تا حال در ادب موسیقی به آن نام موسوم هستند:

دلی باز سبک مخصوص اهل دهلی در نواختن سازهای موسیقی

پورب باز سبک مخصوص اهل بنارس در نواختن سازهای موسیقی

فرخ یار سبک مخصوص اهل فرخ‌آباد در نواختن سازهای موسیقی

بد جزا = غلط آکا ترکیب هندی

بی سرا = گلویی بی آهنگ

دف والی = دفالی

بینکار = بین هندی و پسوند کار واژه فارسی = کسی که ساز بین را می‌سازد

لیاکار = کسی که صدای ممتد آهنگی بر می‌آرد

حلق بول = بول واژه هندی به معنی صدا - صدایی که پر باشد و از حلق باشد

حلق تان = صدایی که از عمق حلق باشد.

حلقه تال = مقدار تال که دوازده در عدد است بعد از تکمیل این مقدار دوباره از

یک می‌شمارند و یک حلقه از یک تا دوازده می‌شود.

روضه‌خوانی = شیوه مخصوص ستارنوازی (گت) که از مضراب مخصوص

نواخته می‌شد

چیز = برای آهنگ خیال

حویلی سنگت = نغمه‌های عقیدت‌کننده

ریامن = عشق هرزه

بعضی از واژه‌ها با علامت مصدری درست شده است. به طور مثال:

بویاس = احساس ویژه‌ای برای شیوه خاص

قلب + آنا = خلبانا - اصطلاح قوالی

چله چرهانا تمرین متداوم چهل روزه، چنک داری - هنر نمایی.

واژه قوال و قوالی و سماع و قوال بچه همین طور در فرهنگهای هندی استفاده می‌شود.

البته بعضی از واژه‌ها در صدا و لهجه عوض شده است به طور مثال:

جنگله: زنگوله که قبلا ذکر شده است.

باج: باز

شهنا = شاه‌نای = زیرا که در نوحه‌سرایی سر می‌نواختند می‌گویند که شهنشاه اکبر

که به نقاره‌نوازی ید طولی داشت سرنای را شاه‌نای گفتن آغاز کرد.

نتیجه‌گیری

موسیقی هنری است که انسان به آن تمایل دارد و عاشق جلوه‌های خوب و متلاشی

غذایی برای جسم و روح است. در حالت شادمانی شنیدن آهنگ‌های موسیقی آرامش

می‌دهد. هند و ایران از زمان‌های قدیم برای عبادت‌های خود مرهون موسیقی بودند. جشن‌ها اغلب جنبه دینی دارد. هنر موسیقی در هندوستان قبل از تاریخ وجود دارد. در ایران موسیقی در دوره ساسانی به اوج رسیده بود. باربد، بامشاد و نکیا مهمترین موسیقی دانان بودند.

سماع یکی از موضوع‌های دلپذیر موسیقی و نمونه‌ای از آن است. چون هر دو کشور در این زمینه غنی بودند از هنرهای یکدیگر هم لذت بردند و هم استفاده کردند.

منابع

۱. چاند خان، موسیقی امیر خسرو، سنگیت مارکند،
۲. دکتر یونس جعفری، واژه‌های هندی در شاهنامه، قند پارسی، بهار ۱۳۷۰
۳. آند راج، لغتنامه آند راج